

## صحنه جرم و شخصیت جنایی مجرم

غلامحسین بیابانی<sup>۱</sup>

افسانه مظفری<sup>۲</sup>

### چکیده

صحنه جرم هر چند کوچک یا بزرگ اصلی ترین منبع حاوی مدارک و شواهد گران سنگی است که برای پی جویی جرم به کار می آید. اما گاهی مواقع مجرم آثار عینی و ملموسی در صحنه باقی نمی گذارد و کارآگاه در چنین صحنه هایی بایستی به دنبال انگیزه و یا صحبت هایی که از مجرم در صحنه باقی مانده باشد و آن را تجزیه و تحلیل نماید ؛ زیرا انگیزه مجرم قابل دیدن نیست و آنها را نمی توان زیر میکروسکوپ دید. بر همین اساس در کشف چنین پرونده هایی بایستی از علوم مختلف از جمله روان شناسی جنایی به منظور تحلیل شخصیت مجرم کمک گرفت. زیرا روان شناسی جنایی الگوهای رفتاری مجرم را به عنوان کمک در توسعه و پیشرفت ترسیم رفتاری مجرم بررسی می کند. به طور سنتی هر صحنه جرمی به عنوان یک مجموعه مستقلی از داده ها مشاهده می شود که کارآگاه می تواند رد پای متهم را در آن تشخیص دهد. در این مقاله نگارنده قصد دارد ابعاد شخصیتی مجرم را برپاساس آنچه که در صحنه اتفاق می افتد کنکاش نماید.

کلید واژه: صحنه جرم، شخصیت جنایی مجرم، روان شناسی جنایی، کارآگاه

---

1. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

biabanigh@yahoo.com

2. اسلایار علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

بررسی صحنه جرم، یکی از اقدامات و وظایف اجتناب‌ناپذیر در عرصه رسیدگی به مسائل مربوط به جرم و جنایت است. اگر کسی بخواهد جرمی را بررسی کند، در بسیاری موارد با صحنه جرم در ارتباط است. (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲). بر این اساس صحنه جرم جایی است که مجرم ضمن ارتکاب جرم در آنجا مدرکی از خود به جا بگذارد. حال سؤال اینجاست؛ اگر در صحنه مدرکی باقی نمانده باشد؛ بایستی صحنه را رها کرد؟ در تعریف کارآگاه آمده: کارآگاه به کسی گفته می‌شود که بتواند با صحنه حرف بزند (بیابانی، ۱۳۸۲). اما گاهی مواقع مجرم در صحنه آثاری از خود باقی نهد ولی این وظیفه کارآگاه است که ارتباط را در صحنه فاقد آثار و مدارک مشخص نماید و به قول گاردنر (۱۳۸۶) مهم نیست کارآگاه با چه روشی در صحنه کار می‌کند؛ بلکه مهم این است که کارآگاه بتواند بین جرم و مجرم ارتباط برقرار کند. و گاهی ضرورت دارد صحنه را از زاویه دیگر به خصوص بر اساس آثار روان‌شناسانه مورد کنکاش قرار داد. بر این اساس این امکان وجود دارد تا با بررسی دقیق تر و موشکافانه تر و با استفاده ابزار و علوم دیگر به مجرم برسیم. زیرا انگیزه مجرم قابل دیدن نیست و آنها را نمی‌توان زیر دستگاه میکروسکوپ دید. لذا گاهی مواقع با استفاده از شهود حاضر در صحنه این امکان وجود دارد تا با برقراری ارتباط با آنها و تجزیه و تحلیل اظهارشان پازل-های گمشده مورد بازیابی قرار گیرد. به عنوان مثال زمانی که در نیمه دوم دهه ۷۰ یکی از بانک‌های تهران مورد سرقت واقع شد؛ افسر عملیات با مصاحبه‌هایی که از شاهدان وقوع جرم داشته است به این نتیجه رسید که نگاه و دیدگاه سارق چگونه بوده؛ و بر اساس دیدگاه مجرم با نشریات به گونه‌ای هماهنگ کرده بود که به جای نوشتن مبلغ مثلاً ۳ میلیون بنویسند، که در این بین سارق با تماسی که با رییس بانک داشت شناسایی و دستگیر شود. افسر عملیات با بررسی صحنه به این نتیجه رسید که شخصیت مجرم چگونه است و چگونه می‌توان او را از لاکش بیرون کشید. یا در صحنه قتلی در استان ایلام کارآگاه به محض ورود به محل وقوع جرم و مشاهده صحنه اعلام داشت که قاتل یک قصاب است. چرا که نوع بریدن گردن مقتولین مثل ذبح کردن حیوانات بود. لذا صحنه جرم نقطه، آغازین و بهره‌گیری از دلایل مادی است؛ اما بررسی، یک کوشش جمعی و گروهی است. به طور کلی صحنه جرم با چند هدف مورد بررسی صورت می‌گیرد. اما تمام صحنه‌ها در مرحله کلیات بررسی مثل هم هستند.

۱. اولین هدف: تعیین گستره جرم و شناسایی رکن‌ها و دلایل مربوط به آن (رکن مادی جرم).
۲. دومین هدف: مرتبط کردن شخص یا اشخاص به صحنه جرم در زمان ارتکاب جرم (ر.ک بل، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

به طور سنتی هر صحنه جرمی به عنوان یک مجموعه مستقلی از داده‌ها تلقی می‌شود. که کارآگاه می‌تواند ردپای متهم را در آن تشخیص دهد. ارتباط بین آثار و نمونه‌ها، اغلب، از بررسی پلیس استنتاج

می‌گردد و در فرآیندی جداگانه، کلیه نمونه‌های فیزیکی جمع‌آوری شده در صحنه جرم مورد مقایسه قرار می‌گیرند (سیگل، ۱۳۸۶: ۸۲۴). مطالعه شواهد فیزیکی می‌تواند کمکی اساسی به یافتن مرتکب جرم نماید. شواهد فیزیکی غالباً برای تحقیقات پلیس قبل از آنکه کسی به عنوان متهم دستگیر شود یا حتی قبل از آنکه پلیس به کسی مظنون شود، دارای ارزش بسیاری است (تروی، ۱۳۸۵: ۱۵).

اما معمولاً کارآگاهان پس از وقوع جرم به محل می‌رسند. بنابراین، آنان تنها یک روش برای حل مسأله در اختیار دارند: به راه انداختن تحقیقات تمام عیار که منجر به شناسایی و توقیف مجرمان شود. کشف ادله و مدارک فیزیکی که ممکن است مظنون در صحنه جرم به جا گذاشته باشد، وظیفه ای مهم است. در صحنه جرم کارآگاهان می‌توانند با توضیحات قربانیان و شاهدان در مورد حرکات عاملان جرم در خلال وقوع جرم، به کشف ادله و مدارک نزدیک شوند (شرلوک و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸).

### ترسیم شخصیت جنایی

آلیسون (۱۳۸۸) عنوان می‌کند: فرض‌هایی که شالوده بسیاری از روش‌های ترسیم شخصیت را تشکیل می‌دهد، مشابه فرض‌هایی است که در نظریه‌های ناپخته خصایص (نظریه‌های شخصیت) ریشه دوانده‌اند. از منظر دیدگاه ناپخته خصایص، خصایص اولیه از آن روی ثابت و کلی هستند که تعیین کننده تمایل فرد به انجام اعمال یکسان (ثابت) با روشی خاص در شرایط مختلف (کلی) است. همان‌گونه که در مفهوم خلق و خوی‌های رفتاری گفته می‌شود خصایص مستقیماً قابل مشاهده نیستند، بلکه از روی رفتار می‌توان به آنها پی‌برد. بنابراین ترسیم شخصیت، علمی است از فرآیندهای رفتاری و روانی مجرم (بارتول و بارتول، ۱۳۹۳). که گاهی مواقع از صحنه شروع می‌شود و گاهی مواقع قبل از آن آغاز می‌گردد. ترسیم شخصیت جنایی فرآیندی است که با استفاده از اطلاعات در صحنه جرم و جنایت تحقق می‌یابد. ترسیم شخصیت از دو بخش تشکیل می‌شود. یکی روانی، دیگری کیفری؛ ترسیم شخصیت کیفری یک فرایند شش مرحله‌ای می‌باشد.

۱. مرحله اول به عنوان ورودی پروفایل؛ این مرحله مربوط می‌شود به مجموعه اطلاعاتی که ممکن است مربوط به حل جرم و جنایت باشد و می‌تواند شامل عکس از صحنه جرم، گزارش مقدماتی پلیس، اطلاعات در مورد قربانی، و جمع‌آوری اطلاعات جنایی باشد.

۲. در مرحله دوم فرایند تصمیم‌گیری است؛ که در آن اطلاعات سازماندهی شده و تجزیه و تحلیل مقدماتی انجام شده است. در این مرحله، نوع و جرم موثر است.

۳. مرحله سوم از فرآیند ایجاد پروفایل، ارزیابی جنایی بشمار می‌رود.

۴. مرحله چهارم، مشخصات جنایی است، در این بخش تلاش برای توصیف شخص است که مرتکب جرم شده و راهبردهایی که ممکن است پیشنهاد در دستگیری مجرم خاص موثر باشد.

۵. مرحله پنجم، بررسی هرگونه اطلاعات اضافی در خصوص شواهد جدید یا دیگر اطلاعات جدید است.

۶. مرحله ششم شامل دلهره می‌باشد، و فرض بر این است که مجرم درست دستگیر شده است (ر.ک بارتول و بارتول، ۱۳۹۳).

## روانشناسی و جرم‌یابی

در کنار بسیاری از علوم جرم‌یابی روان‌شناسی یکی از محورهای اصلی جرم‌یابی به حساب می‌آید. نقش روان‌شناسی در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه صرفاً از زاویه قضایی بلکه از دیدگاه انسانی نیز مورد بحث و بررسی قرار دادند و به جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک "عمل مجزا" بنشینند، به بررسی تمامی شخصیت پرداختند و این نکته را پذیرفتند که بررسی کامل یک انسان، بزه کار یا غیر بزه کار، تنها با بررسی عمیق شخصیت وی امکان پذیر است. بدین ترتیب، روان‌شناسی از سویی با تکیه بر بررسی‌های مقایسه‌ای متعدد نشان داد که در بیشتر مواقع، فرد مجرم تفاوت آشکاری با دیگران ندارد و از سوی دیگر، با تأکید بر وحدت انسان، جدایی‌ناپذیری جنبه جسمانی و روانی را برجسته ساخت.

بدین ترتیب می‌توان گفت که نقش روان‌شناسی کمک به حل مسائلی است که در زیربنای جرم‌یابی فردی قرار دارند، مسائلی که می‌توان آنها را به دو گروه عمده تقسیم کرد:

- درک و تبیین فرآیند جرم

- بررسی شخصیت انواع مجرمان

اگر چه این دو مسأله جدایی‌ناپذیرند و بررسی هر یک از آنها به درک دیگری کمک می‌کند و حتی می‌توان گفت که در چهارچوب یک روان‌شناسی پویا که موضوع آن بررسی مجرم در حین عمل است، مسأله دوم مسأله نخست را نیز در برمی‌گیرد، اما برای روشن تر شدن قضیه بهتر است به صورت متوالی بررسی شوند (دادستان، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۲).

## روانشناسی جنایی و پرونده‌سازی

روانشناسی جرم و جنایت و بزه‌کاری، گاهی اوقات به عنوان روان‌شناسی جنایی تعبیر می‌شود (بارتول و بارتول، ۱۳۹۲). جایی که قانون با مطالعه روان انسان تلاقی می‌کند شما روان‌شناس جنایی را پیدا خواهید کرد. پرونده‌سازی یا جست‌وجوی مدارک و ساختن یک فرضیه خوب برای مرتبط ساختن فردی به موضوع جرم، به مأموران تحقیق برای درک اینکه باید به دنبال چه کسی بگردند کمک می‌کند. پرونده‌ساز که معمولاً

یک مأمور آموزش دیده می‌باشد، به صحنه جرم، اطلاعات کالبد شکافی قربانی، و احتمالاً رفتارهای قبل و بعد از جرم نگاه می‌کند تا به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. چگونه قاتل به قربانی دسترسی پیدا کرده است؟
۲. قاتل با قربانی چه کاری را انجام داده است؟
۳. آیا قاتل سعی کرده است تا آثار به جا مانده از خودش را بپوشاند؟ اگر جواب مثبت است، چگونه؟
۴. چه چیزی در قربانی باعث جذب قاتل شده است؟
۵. چه انگیزه یا خیالی باعث شده است که قاتل به این سبک خاص و در این مکان خاص و در این زمان خاص اقدام به آسیب زدن نماید؟

در پرونده‌های قتل‌های سریالی، مرتکبان برای مدت کوتاهی با عنوان سوژه ناشناس نامیده می‌شوند. تحلیل صحنه جرم ممکن است مدرکی را ارائه کند که به پلیس بگوید به دنبال چه نوع سوژه ای باید بگردد. این تجزیه و تحلیل ممکن است به عنوان پرونده مرتکب جرم سریالی شناخته شود. حتی اگر پرونده سازی منجر به شناسایی فرد خاصی نشود غالباً به پلیس در متمرکز کردن تحقیقاتشان کمک می‌کند. به علاوه باعث پیش‌بینی جایی که احتمالاً سایر مدارک قرار داده شده اند نیز می‌گردد. پرونده سازی ممکن است درخصوص سوژه ناشناس موارد زیر را ارائه کند:

۱. وضعیت سوژه از لحاظ پزشکی و روانپزشکی؛
  ۲. مناطق اقامت و کار سوژه؛
  ۳. رفتارهایی که ممکن است قبل از جرم نشان داده شده باشند؛
  ۴. احتمال آمد و شد بعد از جرم؛
  ۵. سرانجام، صحنه جرم ممکن است جنبه‌های عملکردی سوژه و امضاء وی را نشان دهد. بخش بعدی را در مورد تمایز بین نحوه عملکرد و امضاء بررسی کنید.
- روش تجزیه و تحلیل صحنه جرم برای یافتن مدارکی که نشان‌دهنده شخصیت متجاوز، انگیزه ها و پرونده سازی است، به طور مستمر مح‌ بهیبت کسب نمود تا جایی که به عنوان عاملی مهم در دستگیری متجاوزان سریالی مطرح شد. اثبات شده است که نه تنها مرتکبان جرم م دارک فیزیکی را پشت سر خود جا می‌گذارند؛ بلکه همچنین مدارک رفتاری و روان‌شناسانه را نیز پشت سر خود بجا گذاشته، که این مدارک، جرم‌شناسان را به درک آنها و دستگیری مرتکبان رهنمون می‌سازد. یکی از اصول اساسی پرونده سازی این است که رفتار هویت را منعکس می‌کند. چگونگی عملکرد شخص وابسته به هویت شخص و نیازها و ترس- های روانی وی می‌باشد. پرونده سازی، مدارک ویژگی های شخصیتی مجرم را بنابر رفتار ارائه شده از وی در

صحنه جرم جست و جو می کند. این مدارک می تواند بینشی را در مورد انگیزه های قاتل، سطح معلومات، مهارت و دلایلش را برای انتخاب قربانی خاص تأمین نماید (لیل، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۵).

## مرتبط ساختن مجرمان با صحنه جرم

متخلفان سریالی مشکل ترین مجرمان برای دستگیر کردن می باشند. آنها انگیزه مشخصی ندارند و متناوباً حوزه فعالیتشان را گسترده تر می کنند. در مواردی سیستم شناسایی اثر انگشت، مقامات را به مقایسه اثر انگشت به دست آمده از صحنه جرم های گوناگون قادر می سازد. بانک اطلاعاتی FBI همچنین اثر انگشت مهاجران سریالی را با جرایم و پرونده های دیگر مقایسه می کند. اولین نمونه این گونه بانک های اطلاعاتی در مرکز ملی جرایم خشن (NCAVC) به وجود آمد و به ارائه خدمات به عنوان مخزنی برای داده های خشن در کل کشور اقدام می نمود. این نمونه منجر به توسعه برنامه دستگیری مجرمان خشن (VICAP) و پخش پرونده سازانی شد که پرونده های مربوط به قاتلان سریالی را نگهداری می کنند. لیل در کتاب علوم جنایی به زبان ساده اعتقاد دارد: اطلاعات به دست آمده از صحنه جرم وارد این گونه بانک های اطلاعاتی می شوند. مأمور تحقیق یک صحنه قتل را تجزیه و تحلیل می کنند. وی، جایی که قربانی با یک طناب سفت بسته شده و طی با دستان قطع شده و پرتاب شدن وی به دریاچه پرونده سازی نموده و با دیگر پرونده های ذخیره شده در بانک اطلاعاتی دستگیری مجرمان خشن مقایسه کند و هر جرمی با ویژگی مشابه شناسایی خواهد شد و مأموران می توانند آنها را بررسی نموده و کشف کنند که آلی مجرم هر دو جرم با هم مرتبط می باشند یا خیر؛ مأموران تحقیق می توانند یک قتل یا قتل های سریالی را با پرونده های ایجاد شده از صحنه های جرم در کل کشور به امید مرتبط کردن سایر جرم های مشابه با جرمی که آنها در حال پی گیری آن می باشند، با هم مقایسه کنند. اگر مدارک هر دو پرونده با هم مرتبط باشند امکان دارد که مأموران قاتل را بیابند (لیل، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۵). به طور کلی اولین کاربرد ترسیم شخصیت روان شناختی در جرم شناسی نوین، تنها پرونده آن تا امروز است که در آن یکی از کارشناسان شرح مشخصات به دستگیری سوژه کمک کرد. در سال ۱۹۵۶ میلادی جیمز بروسل، روانپزشک قانونی، از "بمب-گذار دیوانه"، مجرم فراری نیویورک شرح مشخصاتی تهیه کرد که به گونه ای حیرت آور، دقیق بود، او از شکل بمب هایش که مانند آلت تناسلی مردانه بود، ناتوانی جنسی مجرم را حدس زد و طرحی از چهره او تهیه کرد که می توانستند از آن به جای عکس بمب گذار اس تفاده کنند، وی حتی به درستی پیش بینی کرد سوژه روز دستگیری اش لباسی چهار دکمه (با دکمه های کت بسته) بر تن خواهد داشت. اما، مهم تر آنکه دکتر بروسل درباره روش ترغیب بمب گذار به افشای هویت خود با نوشتن به روزنامه ها، پلیس را راهنمایی کرد، حقه ای که پلیس را به در خانه او هدایت کرد. هنوز هیچ کارشناسی تا به امروز نتوانسته است پیروزی بروسل را تکرار کند و حتی اگر دقیق و صحیح بودن برخی از

شرح مشخصات ها در پی دستگیری مجرم، اثبات شده باشد، دستگیری همیشه تحت تاثیر روال معمول عملکرد پلیس قرار داشته است (نیوتون، ۱۳۸۹: ۵۵۶).

## تحلیل شخصیت مجرمین

متخصصین تحلیل شخصیت هر دو روش استقرایی و استنتاجی (قیاسی) را به کار می گیرند. در نگرش استقرایی فرض می شود که جنایت کاران، پیش زمینه ها و انگیزه هایی مشابه سایر مجرمین زنجیره ای دارند که به روشی مشابه رفتار می کنند. برای مثال، یک فود متجاوز که در تجاوزهای زنجیره ای زنان سفید پوست را هدف قرار می دهد، ممکن است سیاه پوست نباشد، زیرا تجاوزات مشابه گذشته به ندرت با مسایل نژادی بوده است. چنین فرضیاتی بطور گسترده با مخا لغت روبرو شده اند. در نتیجه تحلیل شخصیت با روش استقرایی دچار برخی از موانع و مشکلاتی است که به خوبی شناسایی گردیده است. در عوض، رفتارپردازی استقرایی، گرچه هنوز بر پایه احتمالات است، از میانگین ها و تعمیم دادن ها اجتناب نموده و موضوعات را کاملاً به تفصیل مطالعه می کند و استنباط ها را با شواهد جدید مورد انطباق قرار می دهد. معمولاً تحلیل شخصیت استقرایی، راهبردهای بنیان گذاری شده توسط FBI را دنبال می کند. پردازش رفتار یک فرد متجاوز بر اساس فعالیت های وی، بعد و در خلال جنایت انجام می شود. برای مثال اگر یک قاتل از یک سلاح د م دستی استفاده کند، این نشان می دهد که قتل، ناگهانی و نسنجیده بوده است. در واقع رفتار پردازش استنتاجی روش استقرایی را تکمیل می کند و تئوری های مربوط به مطالعات پژوهشی را با شواهد به دست آمده از صحنه جرم مرتبط می سازد (پلات، ۱۳۸۶: ۱۲۳). عمل وحشیانه تک تیرانداز واشنگتن که در پاییز ۲۰۰۲، ۹ نفر را به قتل رساند، جاذبه تحلیل شخصیت و نیز محدودیت های روش استقرایی را آشکار نمود. مانند بسیاری از قاتلان زنجیره ای دیگر تیرانداز کمین کرده نیز در یک منطقه آرام مرتکب قتل می شد. در طول سه هفته ای که از حملات وی می گذشت، رفتار او به طور فزاینده ای متکبرانه و بی احتیاط می شد به طوری که پلیس را با یادداشتها و تماس های تلفنی خود مورد تمسخر قرار می داد. بازرسان بدون داشتن هیچ نشانه ای برای پیگیری و فقط با مشاهده نوع قتل ها و گلوله های مشابه، اقدام به تحلیلی شخصیت او کردند. و در نتیجه به جست و جوی یک قاتل عصبانی، باهوش، مردی سفید پوست و بدون فرزند پرداختند. اما هنگام دستگیری، مشاهده شد که مظنونین، سیاه پوست بوده و از هوش متوسطی برخوردار بودند و یکی از آنها ۴ فرزند داشت. توجیه کنندگان شخصیت متذکر شدند که ویژگی های غیر معمول شلیک ها، استنباط ها را اساساً غیرقابل اعتماد کرده بود (پلات، ۱۳۸۶: ۱۲۴). اما در این میان FBI راهبردهای تحلیلی شخصیت را به روش های زیر انجام می دهد.

۱. تحلیل شخصیت بر اساس درون داد: اطلاعات لازم را جمع آوری می کند.

۲. مدل فرآیند تصمیم‌گیری: به دنبال یک الگوی معین است، جرایم را طبقه‌بندی می‌کند، ریسک جنایت کار و قربانی بودن را بازسازی می‌کند. به فعالیت‌های قبل و بعد از جنایت توجه دارد.
  ۳. ارزیابی جنایت: رفتارهای متخلف را بازسازی می‌کند و بررسی می‌کند که چه چیزی درباره شخصیت وی آشکار می‌شود.
  ۴. گزارش تحلیل شخصیت: با نتایج بدست آمده از ارزیابی جنایت، توصیفی از محتمل‌ترین مظنون به دست آمد؛ مثلاً نژاد، جنس، سن، روش زندگی، عقاید، ارزش‌ها و سوابق جنایت.
  ۵. بررسی: گزارش تحلیل شخصیت می‌تواند به محدود کردن دایره تحقيقات پلیس درباره فرد مظنون کمک کند.
  ۶. دستگیری: تکنیک مصاحبه‌ای مناسب، می‌تواند منجر به اعتراف فرد مظنون و دستگیری وی شود.
- برای مثال قاتلان زنجیره‌ای می‌توانند هم سازمان یافته باشند و بصورت طراحی شده کار انجام داده و با برنامه‌ریزی و قصد قبلی به غریبه‌ها حمله کنند و هم غیرسازمان یافته بوده و قتل‌های برنامه‌ریزی نشده‌ای را مرتکب شده و به صورت درهم و نامنظم رفتار کنند. وجود سایر سرخ‌ها یا عدم وجود آنها، قاتلان سازمان یافته را شناسایی می‌کند (پلات، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

## نتیجه‌گیری

به قول رالف راپلی و همکارش دیوید وایت هاوس (۱۳۸۸) علوم جنایی بخشی از فرآیندی است که از صحنه جرم شروع می‌شود و در دادگاه به نتیجه می‌رسد. آشنایی با روش کار مجرمان بخشی از وظیفه یک کارآگاه است. اما در هر صحنه علاوه بر مدارک فیزیکی مدارک روانی هم وجود دارد که کارآگاه با مرتبط ساختن آن می‌تواند مجرم را شناسایی کند. اگر چه بکارگیری روان‌شناسی جنایی از میان علوم مختلف در کشف جرم مغفول مانده است<sup>۳</sup>. اما پلیس آگاهی به لحاظ تنوع مأموریت با مجرمین مختلف و با شخصیت‌های متنوع روبه‌رو است. لذا قبل از شروع بازجویی لازم است متهمین و مظنونین در آزمایشگاه روان‌شناسی جنایی یا علوم رفتاری مورد آزمایش قرار گرفته و سپس توسط کارآگاه مورد بازجویی قرار گیرند. هر چند شناسایی شخصیت سوژه و فرآیند استدلال وی، انجام یک بازجویی مؤثر و نتیجه بخش است. اما اگر بازجو شناخت کاملی از مظنون داشته باشد و بر اساس جنبه‌های هوشی و شخصیتی وی، از سوژه بازجویی کند، احتمال موفقیت بسیار افزایش می‌یابد (والترز، ۱۳۸۵: ۴۰۰). اغلب اوقات، کارآگاه تمام ادله و مدارک قانونی را جمع‌آوری می‌کند و تمام اطلاعات پیشینه‌ای ضروری در مورد تحقیقی خاص را تکمیل می‌نماید. او سپس اطلاعات را به گونه‌ای سازماندهی می‌کند که برای وی کاملاً معنادار است. او ممکن است با مسلح شدن به

<sup>۳</sup>. اگر چه کارآگاهان پلیس آگاهی به صورت تجربی در رسیدگی به پرونده‌ها از این علم بهره‌لازم را می‌برند



این اطلاعات، متقاعد شود که سوژه تاب تحمل در برابر این ادله و مدارک را نداشته و اعتراف خواهد کرد . مشکل این طرز تفکر آن است که سوژه و بازجو ممکن است دو شخصیت کاملاً مجزا نسبت به یکدیگر باشد. هنگامی که یاد بگیریم با هر سوژه بر اساس فرآیند استدلال و تیپ شخصیتی وی برخورد کنیم به نتایج قابل قبول در هر مصاحبه دست خواهیم یافت.

## فهرست منابع

۱. آلیسون، لارنس (۱۳۸۸) *راهنمای روان شناسان جنایی*، ترجمه مهدی جاوید، انتشارات کارآگاه.
۲. بارتول، کورت و بارتول، آنی (۱۳۹۳) *چشم انداز کنونی در روان شناسی جنایی و رفتار جنایی*، ترجمه میثم صادقی، در دست انتشار.
۳. بل، سوزان (۱۳۸۹) *دانش نامه پلیس علمی*، ترجمه مهدی نجابتی و علی شایان، انتشارات سمت و معاونت آموزش ناجا.
۴. بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۲) «کارآگاه کیست؟»، دوماهنامه کارآگاه، شماره ۵ و ۶، شهریور و آبان.
۵. پلات، ریچارد (۱۳۸۶) *صحنه جرم*، ترجمه عباس خانه زاد رضوی، انتشارات کارآگاه.
۶. تروی، برنت ای (۱۳۸۵) *ترسیم شخصیت جنایی مجرم*، ترجمه اکبر استرکی، انتشارات کارآگاه.
۷. دادستان، پریخ (۱۳۸۲) *روان شناسی جنایی*، انتشارات سمت.
۸. سیگل، جی ای (۱۳۸۶) *دایره المعارف علوم جنایی*، ترجمه منصوره نیکو اخلاق، انتشارات کارآگاه.
۹. شرلوک، ویلیام ای - جی آر، وینس و جی، جوزف (۱۳۸۶) *جمع آوری شواهد و مدارک*، ترجمه آرش روزدار، انتشارات کارآگاه.
۱۰. راپلی، رالف و وایت هاوس، دیوید (۱۳۸۸) *علوم جنایی مولکولی*، ترجمه محمد امیر سعادت نسب، ان تشارات کارآگاه.
۱۱. کی نیا، مهدی (۱۳۸۸) *روان شناسی جنایی*، جلد اول، چ ششم، انتشارات رشد.
۱۲. گاردنر، راس ام (۱۳۸۶) *بررسی کاربردی صحنه جرم*، ترجمه علی شادکام، انتشارات کارآگاه.
۱۳. لیل، داگلاس (۱۳۸۸) *علوم جنایی به زبان ساده*، ترجمه میر وحید وهابی عراقی، انتشارات کارآگاه.
۱۴. والترز، استن بی (۱۳۸۵) *اصول مصاحبه و بازجویی مبتنی بر حرکت شناسی*، ترجمه مهدی جاوید، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
۱۵. نیوتون، مایکل (۱۳۸۹) *دایره المعارف تحقیقات صحنه جرم*، ترجمه سروش بهربر، انتشارات کارآگاه.